

خرم آباد

آندری ولاس

ترجمه از روسی:

شهرام همت‌زاده

عضو هیئت عالی دانشگاه، شهید بهشتی

کتاب نیستان

ولاس، آندری.
خرم‌آباد. آندری ولاس.
ترجمه از روسی شهرام همت‌زاده.
تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۸.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۶۵۶-۵
داستان‌های روسی. قرن ۲۰ م.
همت‌زاده، شهرام. مترجم.
PG ۳۴۸۹/۴
۸۹۱/۷۲۴۴
۵۷۲۷۷۸۶

خرم‌آباد

آندری ولاس
ترجمه از روسی: شهرام همت‌زاده
ویران‌ساز: فاطمه بهروزفخر
دبیر: سوسانه مجتبی‌راشدی
طرح: ناصر فرزاد ادیبی
کتاب نیستان
چاپ اول ۱۳۹۸ ۸۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۶۵۶-۵
چاپ و صحافی: سپیدار
نیستان: ۲۲۶۱۲۴۴۳-۵
۸۹۰۰۰ تومان
ارتباط با شما ۳۰۰۸۵۵۲
www.neyestanbook.com

فهرست

۷.....	فغان ز جغد جنگ و مرغوی او.....
۱۱.....	درباره نویسنده کتاب.....
۱۳.....	مقدمه نویسنده.....
۱۹.....	فصل اول: بازگشت.....
۳۷.....	فصل دوم: میراث ایواجیف.....
۵۴.....	فصل سوم: کسی که به تاخت از جنگل‌ها می‌گذرد.....
۸۲.....	فصل چهارم: لاک‌پشت.....
۱۰۴.....	فصل پنجم: خودی و غیرخودی.....
۱۳۸.....	فصل ششم: رئیس فواره.....
۱۷۳.....	فصل هفتم: مار سبزی به نام اوژیک.....
۱۹۳.....	فصل هشتم: در جستجوی سنگی خوب برای مزار پدر.....
۲۱۸.....	فصل نهم: اولین نفر از بین پنج نفر.....
۲۵۶.....	فصل دهم: خانه‌ای در کنار رود.....
۲۹۱.....	فصل یازدهم: گل‌های رز سوری.....
۳۵۶.....	فصل دوازدهم: غریبه.....
۳۸۶.....	سخن پایانی- زاوراژیه.....

سخن مترجم

فغان ز جغد جنگ و مرغواي او

یک سال پس از استقلال تاجیکستان از اتحاد جماهیر شوروی، جنگ خانمان روزه بر این کشور در گرفت که حاصل آن، کشته شدن ده‌ها هزار تن و آوارگی حدود یک میلیون انسان بود.

این جنگ به مدت ۵ سال، از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷م ادامه داشت. چه چشم‌ها از حدقه بیرون کشیده شد و چه کسانی که زنده‌زنده در آتش نسوخت. نائره جنگ تنها در میان کمونیست‌ها و اسلام‌گرایان شعله‌ور نشد؛ بلکه گروه‌های قومی مختلف را نیز در بر گرفت.

شاید بتوان در آمیختن مناطق شمالی که پیش از اشغال روسیه، متعلق به پادشاهان خوقند (خجند) بود و جنوبی که پیش از اشغال روسیه، متعلق به امیرنشین بخارا بود، تاجیکستان را، چندین دهه پیش از آغاز این درگیری‌ها، توسط دولت مرکزی اتحاد جماهیر شوروی (در آن زمان استالین) از علل این درگیری‌ها دانست که در راستای اسکان اقوام مختلف، توسط دولت مرکزی شوروی در مناطق مختلف تاجیکستان به دنبال سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود. از سوی دیگر در دهه ۲۱ سال از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۱م، حدود ۲۳۵۷۰۰ نفر از بخش اروپایی اتحاد شوروی در تاجیکستان اسکان داده شدند. هیچ سرزمینی نمی‌تواند تا این حد افزایش جمعیت را در درون خود تحمل کند؛ مخصوصاً اگر این سرزمین توسعه چندانی نیافته باشد. چنین بود که سرزمین‌های کشاورزی تاجیکستان که تاب جمعیت چند صد هزار نفری مهاجر غیربومی را نداشت، آرام آرام خشکیدن گرفت و زمینه جنگ داخلی بیش از پیش فراهم شد.

بر اساس آنچه در دانشنامه جهان اسلام، ذیل مدخل «تاجیکستان» آمده

است، در فوریه ۱۹۹۰م. به دنبال شایعاتی مبنی بر اسکان آوارگان ارمنی در شهر دوشنبه، مردم اعتراض کردند و در نتیجه درگیری آنان و نیروهای پلیس عده‌ای زخمی یا کشته شدند. مردم در تظاهرات خود خواستار اصلاحات اقتصادی و سیاسی، بازگشایی مساجد و احیای فرهنگ ملی خود بودند. به دنبال این درگیری‌ها، فعالیت احزاب «رستاخیز» و «حزب دموکراتیک تاجیکستان» و «حزب نهضت اسلامی» غیرقانونی اعلام شد.

در نوامبر ۱۹۹۰م. «قهار محکوف» به ریاست جمهوری برگزیده شد ولی در ۳۱ اوت ۱۹۹۱م. محکوف که با کودتای نظامیان ضد گورباچف مخالفت کرده بود، به دنبال تظاهرات گسترده مردم مجبور به استعفا شد و در نهم سپتامبر همان سال شورای عالی تاجیکستان به استقلال تاجیکستان رأی داد.

قادران اصلاحات، رئیس شورای عالی و کفیل ریاست جمهوری، فعالیت حزب کمونیست را ممنوع و دارایی آن را ملی کرد، اما شورای عالی — که اکثر نمایندگان آن کمونیست بودند — اصلاحات را برکنار، نبی‌اوف را جانشین وی و ممنوعیت فعالیت حزب کمونیست را لغو نمود.

در آوریل ۱۹۹۲م. به دنبال دستگیری مقصود اکرام‌اوف، شهردار دوشنبه که اجازه نصب مجسمه فردوسی جای مجسمه لنین را داده بود، تظاهرات مردمی شدت بیش‌تری گرفت. مخالفان حکومت تقریباً دو ماه در مرکز دوشنبه ماندند. حکومت نیز با آوردن هواداران خود از کولاب، خجند که از دوره شوروی حامی حزب کمونیست بودند، تظاهراتی در دوشنبه ترتیب داد. پس از ۵۱ روز از شروع تظاهرات و کشته شدن حدود ۱۵۰ تن، مذاکرات مخالفان با نبی‌اوف به نتیجه رسید و حکومت آشتی ملی در یازدهم مه ۱۹۹۲م. تسکین شد. پس از این مصالحه درگیری در دوشنبه خاتمه یافت ولی در همان ماه تظاهرات کولابی طرفدار کمونیسم ضمن مخالفت با حکومت آشتی ملی و خلق سلاح خود، با هواداران احزاب اسلامی و دموکراتیک در آن منطقه درگیر شدند.

در اواخر مه ۱۹۹۲م. شبه‌نظامیان جبهه خلق تاجیک به فرماندهی سنگک صفروف — که پس از ۲۳ سال زندان به جرم اعمال جنایی، آزاد شده بود — از کولاب به قرغان تپه، پایگاه اصلی احزاب اسلامی و دموکراتیک، حمله کردند. کولابی‌ها ادعا می‌کردند که مخالفان از گروه‌های اسلامی افغانستان، به‌ویژه حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، اسلحه می‌گیرند و در پایگاه‌های این حزب آموزش می‌بینند. اتحاد دموکراتیک — اسلامی نیز ادعا می‌کرد که نیروهای

نظامی روسیه مستقر در تاجیکستان، شبه‌نظامیان طرفدار حکومت را مسلح می‌کنند. در اواخر اوت ۱۹۹۲م. شبه‌نظامیان کولابی صدها تن را در قرغان تپه کشتند. تظاهرکنندگان مخالف حکومت با ورود به کاخ ریاست جمهوری ۳۵ تن از مقامات را گروگان گرفتند. در نتیجه فشار مخالفان، نبی‌اوف در هفتم سپتامبر مجبور به استعفا گردید و اکبرشاه اسکندروف، رئیس شورای عالی، کفالت ریاست جمهوری را عهده‌دار شد. در ۲۷ سپتامبر کولابی‌ها با تصرف قرغان تپه موجب فرار هزاران تن (تا نیمه نوامبر ۰۰۰، ۱۲۶ تن) به دوشنبه شدند.

اسکندروف که در پایان دادن به جنگ داخلی شکست خورده بود مجبور شد برگریخت. نشست شورای عالی را در خجند پذیرد؛ ازین رو در دهم نوامبر ۱۹۹۲م. به همراه دولت خود استعفا کرد. نشست فوق‌العاده دو هفته‌ای شورای عالی، که کمونیست‌ها در آن بدترین سهم را داشتند، امامعلی رحمانوف از کولاب را به ریاست کشور و عبدالماک عبدالله جانف را به نخست‌وزیری برگزید.

پس از ۵ سال جنگ خونین، با پایمردی کشورهای منطقه، به ویژه ایران، روسیه و افغانستان، طرف‌های درگیر در تاجیکستان بر سر میز مذاکره حاضر شدند و پس از مذاکرات طولانی در مسکو، آلماتی، عشق‌آباد، بیشکک، مشهد و تهران سرانجام دو رهبر تاجیک، امامعلی رحمانوف که مورد حمایت روسیه بود و سید عبدالله نوری که افغان‌ها از او حمایت می‌کردند، در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۷م. پیمان صلحی را در مسکو امضا کردند. صلح تاجیکستان به آسانی حاصل نشد و پس از آن روند اعتمادسازی میان گروه‌های مخالف ادامه یافت.

در آن دوران که اقوام مختلف که پیشتر در کار یکدیگر به آرامش می‌زیستند و حال به کشتار همدیگر پرداخته بودند «دلیر خاورد» شاعر و ترانه سرای تاجیکی در مذمت این حوادث آهنگی خواند که محبوبیت بسیاری یافت:

چَک چَک باران بهار شیرین است،

در یاد دارم تو را

شد بیدار در دل غم دیرینم

از ناز لاله زار

بی دلم بی دلم

خنجر زدند بر سینه‌ام

جدا کردند ما را

میهنم، میهنم

تقدیر ما همین است
 چرا، چرا، آی چرا؟
 چکِ چکِ بارانِ بهار شیرین است،
 در یاد دارم تو را
 شد بیدار در دل غمِ دیرینم
 از ناز لاله زار

www.ketab.ir